

۱ دعا

سر گروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خداوند بیاورید.

۲ در میان گذاشتن برکات(۲۰ دقیقه)

رومیان

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (رومیان ۵– ۸)، با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).

به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، درمورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

۳ تعمق و حفظ کردن(۲۰ دقیقه)

شاهد بودن – متی ۱۰ :۳۲

الف- تـــعمـــق

آیه حفظی: شاهد بودن- متی ۱۰: ۳۲

متن آیه: «پس هرکه مرا پیش مردم اقرار کند من نیز در حضور پدر خود که در آسمانست او را اقرار خواهم کرد.»

عیسی این کلمات را به دوازده شاگردش وقتی گفت که به آنها فرمان رفتن و موعظه کردن پیغام ملکوت خدا را داد (متی ۱۰: ۵– ۱۰). با وجود این حقیقت که شاگردان عیسی با مخالفت با پیغام و شیوه زندگی‌شان مواجه خواهند شد بایستی پیغام انجیل را بدون ترس اعلام کنند. برای اینکه شاگردان بدون واهمه شهادت دهند، عیسی چهار دلیل می‌آورد:

۱- شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسای مسیح باشید، چون دشمنان شما نمی‌توانند مانع از این واقعیت شوند که روزی علنا شرمنده خواهند بود و اینکه شما نیز علناً مورد تأیید قرار خواهید گرفت (متی ۱۰: ۲۶– ۲۷).

دشمنان نمی‌توانند مانع این واقعیت شوند که مخالفت شریرانه‌شان، جفا و کشتار مسیحیان یک روز علنی و آشکار خواهد شد. در روز داوری نهایی، دشمنان مسیح و دشمنان مسیحیان در مقابل تمام مردمی که بر روی زمین زندگی کرده‌اند شرمنده خواهند شد. کتاب مقدس می‌گوید که خدا هر کار و همینطور هر چیز مخفی را داوری خواهد کرد (جامعه ۱۴: ۱۲).

دشمنان نمی‌توانند مانع این واقعیت هم شوند که روزی شاگردان در ملأعام تأیید خواهند شد. در روز داوری نهایی مسیح و شاگردانش در مقابل تمام مردم که تا به حال روی زمین زندگی کرده‌اند گرامی شمرده خواهند شد. کتاب مقدس می‌گوید که مسیح هرکس را بر طبق اعمالی که انجام داده است پاداش خواهد داد (متی ۱۶: ۲۷).

پـــس، شاگردان عیسای مسیح نباید از اعلام آشکارا صریح و شجاعانه پیغام ملکوت (انـجیل) بترسند.

۲- شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسای مسیح باشید، چون دشمنانتان نمی‌توانند روح شما را بکشند، بلکه فقط جسمتان را (متی ۱۰: ۲۸).

دشمنان مسیح و دشمنان مسیحیان آرزوی انجام هر کاری را هم که داشته باشند فقط یک کار را هرگز نمی‌توانند انجام دهند؛ یعنی نمی‌توانند روح شما را بکشند. در حالی که جسمتان بخش مرئی و مادی وجود شما است روحتان بخش نامرئی و غیرمادی وجود شماست.

۳- شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسای مسیح باشید، چون دشمنانتان نمی‌توانند اراده خداوند و توجه محبت‌آمیز او نسبت به شما را تباه سازند (متی ۱۰: ۲۹– ۳۱).

واقعیت دارد که درست مثل گنجشک شما نیز روزی بایستی بمیرید، اما اگر خدا از همه گنجشکان که تقریبا هر کدام آنها بی‌ارزش بشمار می‌آیند، مواظبت می‌کند، چقدر بیشتر در حال حاضر از شما محافظت خواهد کرد. چه کسی بیش از گنجشکان بسیار ارزش دارد؟ خدا وعده داده که از زندگی و کار شما به طریق خاصی محافظت خواهد کرد. هر آنچه که بر روی زمین برای شما اتفاق میفتد، در مقابل چشمان همیشه ناظر خدا و فقط در صورتی که او تصمیم به وقوع آن بگیرد یا از وقوع آن راضی بوده باشد، رخ می‌دهد (رومیان ۸: ۲۸).

۴- شما می‌توانید بدون ترس شاهد عیسای مسیح باشید، چون عیسی شما را اعتراف می‌کند فقط در صورتی که شما او را در مقابل مردم اعتراف کنید (متی ۱۰: ۳۲– ۳۳).

اعتراف کردن او یعنی اینکه آشکارا اقرار کنید که عیسای مسیح نجات‌دهنده و خداوند شما است؛ یعنی اینکه هیچوقت درحضور مردم یا جهان یا حتی دشمنانتان از عیسای مسیح خجل نخواهید شد (مرقس ۸: ۳۴– ۳۸). در روز داوری نهایی، عیسی نیز آشکارا در مقابل تمام انسان‌هایی که برروی زمین زندگی کرده‌اند شما را اقرار خواهد کرد (متی ۲۵: ۳۴– ۳۶).

ب- حفظ کردن و مرور

۱- بنویسید: آیه کتاب مقدس را برروی یک کارت سفید یا روی صفحه‌ای از دفترچه یادداشت خود بنویسید.

۲- حفظ کنید: آیه کتاب مقدس را به شیوه‌ای صحیح حفظ کنید. شاهد بودن– متی ۱۰: ۳۲

۳- مرور کنید: به گروههای دو نفری تقسیم شوید و آخرین آیه‌ای را که حفظ کرده‌اید از یکدیگر بپرسید.

۴ بررسی کتاب مقدس (۷۰ دقیقه)

ویژگیهای خانواده مسیحی چیست؟ افسسیان ۶: ۱ – ۴

با استفاده از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس، افسسیان ۶: ۱– ۴ را با یکدیگر بررسی کنید.

قدم ۱: بخوانید

بخوانید: افسسیان ۶: ۱– ۴ را با هم بخوانیم.

هر یک به نوبت یک آیه بخوانید تا تمام قسمت خوانده شود.

قدم ۲: کشف کنید

توجه کنید: چه حقیقتی در این قسمت برای شما مهم است؟ یا کدام حقیقت در این قسمت ذهن یا قلب شما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟

بنویسید: یک یا دو حقیقتی را که درک می‌کنید، کشف نمایید، درمورد آنها فکر کنید و افکارتان را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از اینکه مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد، به نوبت برکاتشان را با هم در میان بگذارند). به نوبت برکات خود را از نکاتی که کشف کردیم با یکدیگردر میان بگذاریم.

(موارد زیر، مثال دو شخصی است که برکاتشان را با یکدیگر در میان می‌گذارند. به خاطر داشته باشید. در هر گروه کوچک اعضای آن گروه نکات مختلفی را با هم در میان می‌گذارند که نباید لزوما یکسان باشند.)

*** ۱:۶**

کشف ۱) از نظر من یک حقیقت مهم در افسسیان ۶: ۱ یافت می‌شود. «ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید، زیرا که این انصاف است.» بعضی فکر می‌کنند این آیه بدین معنی است که فرزندان باید فقط درصورتی والدین خود را اطاعت نمایند که والدینشان «در خداوند» یعنی مسیحی می‌باشند، اما این صحیح نیست. این فرمان به این معنی است که فرزندان بایستی والدین را نه به خاطر اینکه مسیحی هستند اطاعت کنند، بلکه به این خاطر که چون فرزندان مسیحی می‌باشند. در حالی که بسیاری از فرزندان غیرمسیحی از والدینشان اطاعت نمی‌کنند، فرزندان مسیحی بایستی از والدینشان اطاعت کنند،

چون این فرمانی است که مسیح انجام آن را به آنها داده است. فرزندان مسیحی حتی اگر والدینشان با ملاحظه، منصف و مسیحی نباشند، بایستی از آنها اطاعت کنند.

۴:۶ ❋

کشف ۲) از نظر من یک حقیقت مهم در افسسیان ۶: ۴ یافت می‌شود. «و ای پدران، فرزندان خود را به خشم نیاورید.» در حالی که فرزندان وظیفه اطاعت از والدین را دارند، والدین نیز موظف به تشویق فرزندانشان می‌باشند. این عبارت در کولسیان ۳: ۲۱ نیز نوشته شده است: «ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید مبادا شکسته دل شوند.» فرزندان خشمگین و تلخ صیرت می‌شوند اگر همیشه روی اشتباهات آنها تأکید کنید و هرگز در باره کارهای درست آنها سخن نگویید. چون دارای فرزندانی می‌باشم از نظر من مهم است که همیشه فرزندانم را تشویق کنم. گرچه آنها کامل نیستند، نباید عملا آنها را خشمگین کنم و روح آنها را برنجانم. پس تصمیم گرفته‌ام که مشوق بودن را ترجیح دهم.

قدم ۳: سؤال کنید

توجه کنید: در این متن چه سؤالاتی در زمینه‌های مختلف وجود دارند که مایلید در گروه آنها را بپرسید؟

سعی کنیم تمام حقایق مربوط به افسسیان ۶: ۱– ۴ را درک کنیم و درمورد آنچه نمی‌فهمیم، سؤال‌های خود را مطرح کنیم.

بنویسید: تا آنجایی که امکان دارد سؤال‌های خود را واضح و صریح مطرح کنید و سپس آنها را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

در میان بگذارید: (بعد از این که مدتی حدود دو دقیقه به اعضای گروه فرصت فکر کردن و نوشتن داده شد اجازه دهید که هر کدام ازافراد سؤال خود را برای دیگران مطرح سازد).

گفتگو کنید: (سپس چند سؤال را از بین همه سؤالها انتخاب کنید و سعی کنید با گفتگو کردن در مورد آنها در گروه جوابی برای‌شان پیدا کنید. درادامه نمونه‌هایی از سؤال‌هایی که شاگردان ممکن است بپرسند و همچنین ملاحظاتی در رابطه با آن مباحث آمده است.)

۱:۶ ❋

سؤال ۱) (افسسیان ۱:۶) سؤال اول در ارتباط با اطاعت کردن از والدین است. در بعضی فرهنگهای دنیا به فرزندان می آموزند که باید در سرتاسر زندگی و تحت هر شرایطی از والدینشان اطاعت کنند و تا هنگام مرگ پدر و مادر، والدین بر فرزندانشان اقتدار مطلق دارند، اما برطبق کتاب مقدس تا چه سنی فرزندان بایستی همچنان از والدینشان اطاعت کنند؟

ملاحظات:

این سؤال بسیار مهم است چون قلب تمامی فرهنگ‌های دنیوی را لمس می‌کند.

اجازه دهید نخست به نمونه خود عیسی توجه کنیم. وقتی عیسی هنوز پسر بچه‌ای ۱۲ ساله بود، والدینش را اطاعت می‌کرد (لوقا ۲: ۴۱– ۵۲). در هر صورت وقتی عیسی بزرگ و مشغول کار و زندگی خودش شد، دیگر مطیع والدینش نبود و آرزوهای آنها را بجا نمی‌آورد (مرقس ۳: ۳۱– ۳۵). او شخصی بالغ با مسؤولیتی مستقل در زندگی‌اش بود.

پس کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که مسیحیان بایستی والدینشان را در سرتاسر زندگی‌شان و تحت هر شرایطی اطاعت کنند، بلکه کتاب مقدس تعلیم می‌دهد که مسیحیان تا وقتی که هنوز کودک هستند بایستی آنها را اطاعت کنند، یعنی تا وقتی که زیر سن بلوغ، نابالغ و وابسته به والدین خود می‌باشند. بزرگسالی از هنگامی شروع می‌شود که مسیحیان خانه والدین خود را ترک می‌کنند یا وقتی که دیگر وابسته به والدینشان نمی‌باشند یا وقتی که ازدواج می‌کنند. پس اطاعت از والدین دارای محدوده زمانی است. فرزندان تا زمان بزرگسالی باید از والدینشان اطاعت کنند.

۲:۶ ❋

سؤال ۲) (افسسیان ۲:۶) سؤال دوم در ارتباط با احترام گذاشتن به والدین است. گرچه فرزندان مادامی که بچه هستند می‌باید از والدین خود اطاعت نمایند، اما همیشه باید بدیشان احترام بگذارند! راه‌های عملی احترام گذاشتن به والدین چیست؟

ملاحظات:

«احترام گذاشتن» یعنی توجه کردن زیاد، نشان دادن توجه و محبت کردن بدون اکراه و بدون انگیزه‌های خودخواهانه یا ترس.

مثالهای زیر به ارتباط تمام مردم جهان با والدینشان، ارتباط با والدین همسرشان و به ارتباط آنها با خدا به عنوان پدر آسمانی اختصاص داده شده است. پنج راه برای بی‌احترامی کردن یا احترام گذاشتن به والدین خودتان، والدین همسرتان و خدا به عنوان پدر آسمانی شما وجود دارد.

الف- با بحث نکردن، به والدینتان احترام بگذارید.

با آنها برسر مسایلی که ارزش واقعی روحانی ندارند بحث نکنید. برای مثال بر سر اینکه چه لباسی برای پوشیدن مناسب است یا اینکه کدام برنامه تلویزیونی را باید دید یا کارهای خانه را چه کسی باید انجام دهد. بحث کردن باعث می‌شود که والدین احساس کنند نظریاتشان مسخره است. چطور می‌توانید به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ به آرامی بر نقطه نظر خودتان تأکید کنید و سپس اجازه دهید که خدا به شیوه‌ای که او را بیشتر خشنود می‌کند، آن را انجام دهد.

به این ترتیب شما ایمانتان را نشان می‌دهید که خدا بر هر شرایطی مسلط است و توانایی انجام آنچه را که برای شما بهترین است، دارد.

ب- با اهمیت دادن به پیشنهادات و مشورت‌هایشان، به والدینتان احترام بگذارید.

وقتی بدون توجه، مشورت والدینتان را رد می‌کنید به آنها بی‌احترامی کرده‌اید.

چگونه می‌توانید به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ هرگاه والدینتان پیشنهاد یا مشورتی به شما می‌دهند، از آنها یاد بگیرید. هر وقت فرصتی پیش می‌آید از سال‌های تجربیات و حکمتی که اندوخته‌اند استفاده کنید. بخصوص در زمینه قوت‌ها، استعدادها، دانش و مهارت‌هایشان از آنها چیزهایی یاد بگیرید.

پ- با دخالت دادن آنها در زندگی واقعی‌تان، به والدینتان احترام بگذارید.

زمانی به والدینتان بی‌احترامی می‌کنید که نمی‌گذارید آنها از افکار، احساسات و عملا کارهایتان باخبر شوند و زمانی به والدینتان بی‌احترامی روا می‌دارید که نمی‌گذارید آنها بفهمند که چه نقشه‌هایی در سر دارید یا هنگامی که هیچ فرصت و شانسی برای اعمال نفوذ بر نقشه‌هایتان به آنها نمی‌دهید. وقتی والدینتان را در تفریحات، در دردها، در خوشی‌ها، در آسیب‌هایی که می‌بینید شریک نمی‌سازید به آنها بی‌احترامی کرده‌اید. روش حذف والدین از زندگی واقعی و تصمیماتتان باعث می‌شود که آنها احساس کنند ارزش ارتباط با شما را ندارند.

چگونه می‌توانید به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ با والدینتان ارتباط برقرار کنید. بعضی اوقات این کار مشکل است اما هنوز هم یکی از بهترین روش‌ها برای احترام گذاشتن به والدین محسوب می‌شود. برای حرف زدن با آنها، قدم اول را شما بردارید. درمورد فعالیت‌هایتان، آنچه که در مدرسه یا سر کار انجام می‌دهید، آنچه که با دوستانتان و یا در کلیسایتان انجام می‌دهید با آنها صحبت کنید. با آنها درمورد آنچه که به آن ایمان دارید، درمورد خدا، مردم و دنیا، در مورد اعتقادات مسیحی، آنچه که فکر می‌کنید، احساس می‌کنید یا برای انجام آن نقشه کشیده‌اید، صحبت کنید. با دخالت دادن آنها در نقشه‌ها و تصمیماتتان به آنها احترام بگذارید. به تجربه و حکمت والدینتان احترام بگذارید و مشورت آنها را جویا شوید. حتی اگر تصمیم نهایی شما خلاف خواسته‌های آنها باشد، در آنها این احساس را ایجاد می‌کنید که به آنها گوش کرده‌اید و نظریات آنها را جدی گرفته‌اید.

ت- با خدمت کردن آنها، به والدینتان احترام بگذارید.

اگر فقط در صورتی والدین خود را خدمت می‌کنید که آنها از شما خواهش انجام کاری را کرده باشند، به آنها بی‌احترامی کرده‌اید؛ یعنی توقع دارید که آنها در درخواست کمک پیشقدم شوند. اگر از شما درخواستی نکنند، شما هم خیلی ساده کاری نمی‌کنید.

چگونه ممکن است که به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ خودتان را چنان پرورش دهید که هشیار باشید کجا می‌توانید خدمت کنید، در کجا کسی به خدمت شما نیاز دارد و یا کاری هست که دیگران اشتیاق یا توانایی انجام آن را نداشته باشند و شما می‌توانید آن را انجام دهید. قدم اول را در خدمت کردن و کمک کردن بردارید و منتظر این نمانید که والدینتان از شما چیزی بخواهند.

ث- با دوست داشتن آنها به والدینتان احترام بگذارید.

وقتی شما فقط بر طبق ضروریات فرهنگی به والدینتان محبت نشان می‌دهید مثل ملاقات کردن آنها، هدیه دادن به آنها و انجام خواسته‌هایشان، واقعا به والدینتان بی‌احترامی کرده‌اید.

چگونه ممکن است که به طریقی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ محبت خالص مسیحی چیزی فراتر از تعصبات فرزندان است که از نظر فرهنگی ضروری به شمار می‌آیند. محبت اصیل مسیحی نسبت به قصورات صبور است و اشتباهات آنها را می‌بخشد.

وقتی که مسیحی می‌شوید والدینتان می‌ترسند که اطاعت شما از عیسای مسیح بر روی شما تأثیرات منفی بگذارد. می‌ترسند که شما تحصیلاتتان را به خوبی انجام ندهید، کار خوبی نتوانید بدست آورید در زندگی موفق نباشید و نتوانید پس‌اندازی داشته باشید و والدینتان را از نظر مالی حمایت کنید. می‌ترسند که فرهنگتان را از دست بدهید و از مذهب آنها شرمسار باشید. ایمان مسیحی خود را با دقت برای آنها توضیح دهید و با رعایت ادب و نزاکت به آنها ثابت کنید که از طریق آنچه عیسای مسیح برای شما انجام داده است، تبدیل به شخصی شده اید که مسؤولیت‌پذیرتر و با محبت تر است .

۴:۶ ❋

سؤال ۳) (افسسیان ۴:۶) سؤال سوم در ارتباط با تشویق فرزندان است. پدران چگونه می‌توانند مشوق فرزندانشان باشند؟

ملاحظات:

بعضی پدران، فرزندانشان را ناامید می‌کنند. ناامید کردن به معنی مأیوس کردن آنها است. راههای زیادی هست که پدران از طریق آنها می‌توانند فرزندانشان را ناامید کنند. با مشاهده عکس‌العمل‌های بچه‌ها نسبت به والدینشان می‌توانید بفهمید که چه چیزهایی فرزندان را ناامید می‌کند. برای مثال تحریک‌پذیر و خشمگین و افسرده شدن، گوشه‌گیری و حمایت نکردن از والدین. این عکس‌العمل‌ها نشانگر این است که پدر بایستی شیوه رفتارش را نسبت به فرزندانش عوض کند.

یک پدر چطور می‌تواند احترام را به فرزندانش منتقل کند؟ فکر می‌کنم از این طریق که اجازه دهد این سه چیز در فرزندانش رشد کند، رشد مسؤولیت‌پذیری، رشد اعتقادات شخصی و رشد روابط بالغانه آنها.

الف- اجازه دهید که پسران و دختران شما مسؤولیت‌پذیر رشد کنند.

اگر هدف شما راضی کردن فرزندانتان است احتمالا آنها را لوس، خودخواه و بوالهوس بار می‌آورید، اما اگر تمرین کنید در ارتباط با قسمت‌هایی از زندگیشان به آنها مسؤولیتهای بیشتر و بیشتری بسپارید بنابراین تبدیل به شخص بالغ مسؤولیت‌پذیری خواهند شد. برای رشد مسؤولیت‌پذیری چهار مرحله وجود دارد:

در مرحله اول تمام تصمیمات را شما برای فرزندانتان می‌گیرید. فرزند باید بیاموزد که اطاعت کند.

اگر فرزند از پذیرفتن انتخابی که برای او مهیا کرده اید سرپیچی کرد، برایش انتخابی دیگر فراهم کنید، اما کودک باید یاد بگیرد که انتخاب کند. این مرحله را وقتی بچه‌ها هنوز خیلی کوچک هستند انجام می‌دهید. با تصمیماتی که می‌گیرید بچه‌ها آنچه که صحیح و آنچه غلط است می‌آموزند. اما در حالی که بچه‌ها رشد می‌کنند بایستی مسؤولیت‌های بیشتر و بیشتری را به آنها بسپارید.

مرحله دوم مرحله انتخاب و تصمیم‌گیری و انجام آنها همراه با فرزندانتان می‌باشد. این مرحله را بخصوص وقتی بچه‌ها به مدرسه ابتدایی می‌روند انجام می‌دهند. نمونه خوبی برای آنها باشید و همچنین معیارهای کیفی و قوانین خانوادگی وضع کنید.
در مرحله سوم به فرزندانتان اجازه دهید که برای خودشان انتخاب کنند و تصمیم بگیرند. اما باز هم احتیاج به تأیید و نظارت دارند. این مرحله را بخصوص وقتی بچه‌ها به دبیرستان می‌روند انجام می‌دهید. آزادی بیشتر آنها بستگی به مسؤولیت‌پذیری بیشتر و پاسخگویی آنها نسبت به شما دارد. بعضی قسمتهای مهم برای آموزش مسؤولیت پذیری عبارتند از: کارهای مدرسه یا شغل، روابط خانوادگی، پرهیزگاری. حمل پول، به تنهایی مسافرت کردن، برقرار کردن دوستی و رشد روابط شخصی با خدا.

در مرحله نهایی به فرزندانتان اجازه می‌دهید که هرکاری را خودشان انجام دهند. به بچه‌ها اجازه می‌دهید این را وقتی انجام دهند که شخصی بزرگسال شده باشند.
حالا آنها بزرگسالان بالغی شده‌اند و نسبت به هر کاری که می‌کنند در برابر شما پاسخگو و مسؤول نیستند، بلکه در برابر خدا اما هر وقت که بخواهند برای دادن مشورت و یاری رسانی در دسترس هستید. مسؤولیت شما این است که هرگز از محبت نمودن به آنها، دعا کردن برایشان و یاری رساندن بدیشان باز نایستید!

ب- اجازه دهید که پسران و دختران شما در اعتقادات شخصی‌شان رشد کنند.
تا زمانی که توقع دارید بچه‌ها به سوی اعتقادات و عقاید شخصی شما کشیده شوند، هرگز در ایجاد اعتقادات و عقاید شخصی رشد نخواهند کرد. پس توقع نداشته باشید فرزندانتان به صورت مطلق از اعتقادات، ایمان، ارزش‌ها و اولویت‌های شما اطاعت کنند، بلکه آنها را تشویق و کمک کنید تا در ایجاد اعتقادات، ایمان، ارزش‌ها و در داشتن عقاید سالم رشد کنند و کمک کنید تا آنها را بر اساس کتاب

مقدس بنا کنند. بدین ترتیب آنها اشخاص بالغ مسؤولی خواهند شد. رشد اعتقادات دارای سه قدم می‌باشد.

- قدم اول: اجازه دهید که فرزندتان حقایق کتاب مقدس را برای خودش کشف کند. (لوقا ۱۰: ۲۵– ۲۶)
- قدم دوم: اجازه دهید که فرزندتان خودش کاربرد آن حقیقت را انتخاب کند.

- قدم سوم: نتایج کاربرد او را با یکدیگر مورد گفتگو قرار دهید.

برای مثال، در ارتباط با مسأله لباس پوشیدن، کتاب مقدس دارای دو اصل است؛ یعنی اینکه لباس بایستی از نظر اخلاقی پذیرفته شده باشد؛ یعنی مردم را به گناه وسوسه نکند و بایستی از نظر فرهنگی مناسب شرایط باشد. این دو اصل برای تصمیم‌گیری محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کند. در این محدوده فرزند شما انتخاب آزادانه دارد. فرزند شما انتخاب می‌کند یا تصمیم خود را می‌گیرد و شما نتایج انتخاب و تأثیر آن را بر سایرین و خودش مورد گفتگو قرار می‌دهید.

پ- اجازه دهید که پسران و دختران شما ارتباطات بالغانه برقرار کنند.

هدف شما نبایستی ایجاد استقلال باشد، بلکه وابستگی سالم به یکدیگر. کتاب مقدس هر ایماندار را در یک خانواده خاص، در یک کلیسای خاص و در اجتماعی خاص قرار می‌دهد. نظریه کتاب مقدس نسبت به دنیا شامل افراد به صورت جداگانه نیست به این معنی که هر کس راه خود را برود، بلکه افراد در خانواده‌ها، افراد در کلیساها و افراد در اجتماعات. نظریه کتاب مقدس نسبت به دنیا این است که همه ما به یکدیگر نیاز داریم و نسبت به هم وظیفه خاصی برای انجام داریم. پس به بچه‌هایتان کمک کنید تا دوستان خوبی پیدا کنند، با مردم از اجتماعات مختلف و با زمینه‌های اجتماعی متفاوت ارتباط برقرار کنند و با جنس مخالف رابطه سالم ایجاد کنند.

۴:۶ ❋

سؤال ۴) (افسسیان ۴:۶) سؤال چهارم در ارتباط با تربیت فرزندان است. والدین مسیحی بایستی چگونه فرزندانشان را تربیت کنند؟

ملاحظات:

دومسؤولیت اصلی پدر، محبت کردن به مادر فرزند و تربیت فرزندش می‌باشند. تربیت بچه‌ها طبق دستور خداوند یعنی آموزش حقایق کتاب مقدس به فرزندتان است. تربیت بچه در تعلیم خداوند یعنی اینکه فرزندتان در عمل از حقایق کتاب مقدس اطاعت کند. در تربیت فرزندتان دومحدوده مهم وجود دارد.

الف- فرزندتان را طوری تربیت کنید که شهروندان خوبی برای این دنیا باشند.

مهمتر از همه تربیت بدین معنی است که بچه‌ها را تمرین دهیم حقایق را به اجرا گذارند. تربیت؛ یعنی تشویق آنها دوباره و دوباره. بعضی مواقع تربیت کردن شامل نظم بخشیدن یا تنبیه کردن است. با آموزش زندگی شخصی او در زمینه‌های زیر فرزندتان را طوری تربیت می‌کنید که شهروند خوبی برای این جهان باشد.

- فرزندتان را به سوی بلوغ عقلی، جسمی، عاطفی، روحانی و اجتماعی آموزش دهید.
- فرزندتان را آموزش دهید تا حکیم باشد.
- فرزندتان را آموزش دهید تا دوست بدارد.

خانواده‌های سالم مصالح ساختمانی یک ملت سالم هستند.

ب- فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا شهروندان خوب ملکوت خدا باشند.

- آنها را طوری تربیت کنید تا خود را کاملا به خدایی بسپارند که خود را در کتاب مقدس آشکار کرده است.
- آنها را طوری تربیت کنید که به خدا در تمام شرایط اعتماد کنند.
- آنها را تربیت کنید تا بی‌قید و شرط خدا را اطاعت کنند.
- آنها را تربیت کنید تا زندگی مقدس و عادلانه داشته باشند.
- از همه مهمتر آنها را طوری تربیت کنید تا خدا و همسایه‌شان را دوست بدارند و خودشان را بپذیرند.

قدم ۴: به کاربرید

توجه کنید: کاربرد چه حقایقی در این قسمت برای مسیحیان امکان‌پذیر است؟

در میان بگذارید و بنویسید: افکار خود را صریحا با هم در میان بگذارید و فهرستی از کاربردهای امکان‌پذیر بر اساس افسسیان ۶: ۱– ۴ تهیه کنید.

توجه کنید: خدا از شما می خواهد کدام یک از کاربردهای امکان‌پذیر را تبدیل به یک کاربرد مشخص بکنید؟

بنویسید: این کاربرد شخصی را در دفتر یادداشت خود بنویسید.

کاربرد شخصی خود را بدون دغدغه با دیگران در میان بگذارید.

به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، کاربرد حقایق متفاوتی را پیدا می‌کنند وحتی از یک حقیقت کاربردهای متفاوتی می‌یابند.

(فهرست زیر نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر در این قسمت از کتاب مقدس می‌باشند.)

۱- نمونه‌هایی از کاربردهای امکان‌پذیر (افسسیان ۶: ۱– ۴)

- ۶: ۱- **برای بچه‌های زیرسن بلوغ:** در هر چیز والدینتان را اطاعت کنید مگر از شما بخواهند کاری برخلاف فرامین خدا و تعالیم کتاب مقدس انجام دهید.
- ۶: ۲- **برای تمامی مردم:** در هر شرایطی به والدین، پدر و مادر همسرتان و خدا به عنوان پدر آسمانی احترام بگذارید. امکان عملی را انتخاب کنید که به آنها احترام بگذارید و آن امکان را برای مدت زمان معینی گسترش دهید.
- ۶: ۴- **برای تمامی پدران:** هیچگاه فرزندتان را ناامید یا مأیوس نکنید خواه زیر سن بلوغ بوده یا بالغ شده باشد.
- ۶: ۴- **برای پدران فرزندان زیر سن بلوغ:** فرزندانتان را در حقایق کتاب مقدس تربیت کنید به طوری که آن حقایق را به اجرا بگذارند.

۲-نمونه‌هایی از کاربردهای شخصی

- بخصوص می‌خواهم در زندگی‌ام این عادت را داشته باشم که مشورت والدینم را بطلبم و از حکمت آنها در زندگی بیاموزم. خودم تصمیم می‌گیرم و انتخاب می‌کنم، اما می‌خواهم با جدی گرفتن توجهات والدینم به آنها احترام بگذارم.

- بخصوص می‌خواهم مشوق فرزندانم باشم و آنها را به مسؤولیت‌پذیری، ایجاد اعتقادات شخصی، روابط بالغانه با مردم و بیان احساساتشان به روش پرهیزکارانه تشویق کنم. می‌فهمم که این یکی از

بزرگترین مسؤولیت‌هایی است که خدا به عنوان پدر یا مادر به من محول کرده است.

قدم ۵: دعا کنید

درمورد حقیقتی که خدا به ما در افسسیان ۶: ۱– ۴ آشکار کرده است، دعا کنیم. (در دعایتان به آنچه که در طی این بررسی کتاب مقدس دریافت کرده‌اید، پاسخ دهید، تمرین کنید که در فقط یک یا دو جمله دعا کنید. به یاد داشته باشید که افراد در هر گروه، درمورد حقایق متفاوتی، دعا خواهند کرد.)

۵ دعا (۸دقیقه)
دعای شفاعت

به دعا کردن در گروه‌های ۲ یا ۳ نفری ادامه دهید. برای یکدیگر و مردم دنیا دعا کنید.

۶ تکلیف منزل (۲ دقیقه)
برای درس بعد

سر گروه: (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱ـ تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. آموخته‌های بررسی کتاب مقدس در ارتباط با افسسیان ۶: ۱– ۴ را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروهی از مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲- رازگاهان- هر روز نیمی از یک فصل را از قسمت رومیان ۹ - ۱۲ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳ـ حفظ کردن- آیه شاهد بودن- متی ۱۰: ۳۲ را حفظ کنید. هر روز آخرین ۵ آیه حفظی قبلی را مرور کنید.

۴ـ دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳)

۵ـ آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود درمورد رازگاهان، آیات حفظی، بررسی کتاب مقدس و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.